

تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان در فراگرد توسعه سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: ناحیه گیلوان و آب‌بر شهرستان طارم)

ناصر شفیعی ثابت^{۱*}، سمیه یوسفی^۲

۱- استادیار گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه شهید بهشتی

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی

پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۳/۲۵

تأیید نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۷/۸

چکیده

زنان روستایی از پتانسیل‌های زیادی برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی برخوردار هستند. براساس دیدگاه صاحب‌نظران در ادبیات توسعه، بی‌توجهی به ارتقای ظرفیت‌مندی و توانمندسازی آن‌ها، چالش‌های فراوانی در فراگرد توسعه سکونتگاه‌های روستایی ایجاد می‌کند. مطالعه حاضر بر آن است عوامل مؤثر بر ارتقای ظرفیت‌مندی و توانمندسازی زنان و نقش آن‌ها در فرآیند توسعه سکونتگاه‌های روستایی را مشخص سازد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بر روی ۳۹۱ خانوار نمونه تصادفی در ۲۴ سکونتگاه روستایی در ناحیه طارم است. بر اساس یافته‌های تحقیق، اجرای دوره‌های آموزشی برای زنان روستایی در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی در ارتقای میزان آگاهی، توسعه ظرفیتی و توانمندی فردی و خانواری آنان اثرگذار بوده است. همچنین، ارتقای توانمندی فردی و خانواری زنان روستایی در مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی مؤثر بوده است. علاوه بر این، افزایش توانمندی فردی و خانواری زنان روستایی در میزان دسترسی به وام بانکی و ابزارآلات کشاورزی و فناوری غیرکشاورزی و در نتیجه ارتقای شاخص‌های توسعه سکونتگاه‌های روستایی نیز اثرگذاری مثبت داشته است. با این وجود، توجه بیش از پیش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زنان و ارائه مدارک رسمی برای ارتقای توانمندی زنان روستایی پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: توانمندسازی زنان، توسعه سکونتگاه‌ها، گیلوان و آب‌بر، شهرستان طارم.

مقدمه

بر اساس پژوهش‌های انجام شده در ادبیات توسعه، زنان در سکونتگاه‌های روستایی نقشی اساسی ایفا می‌کنند. آن‌ها به‌رغم این‌که عهده‌دار انواع فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی هستند. اما، از درآمدی اندک برخوردار بوده و در مشاغل با دستمزدهای ناچیز اشتغال دارند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹). واقعیت این است که پتانسیل‌ها و توانایی زنان روستایی به میزان بسیار کمتری ارزش‌گذاری شده و از این توانایی‌ها برای بهتر ساختن زندگی آنان و خانواده‌شان و اجتماع به درستی استفاده نمی‌شود (کوئینگ و همکاران، ۲۰۰۳). بر مبنای وجود چنین مسأله‌ای، محققان و نظریه‌پردازان علوم مختلف برای درک عمیق‌تر سازوکارهای توانمندسازی زنان روستایی، تحقیقات گسترده‌ای برای شناسایی این توانمندی در مناطق مختلف کشورها انجام داده‌اند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹). بر اساس یافته‌های آن‌ها، در بازنگری از رویکردهای برنامه‌ریزی‌های توسعه، لازم است توجه و تاکید ویژه‌ای به زنان در فراگرد توسعه صورت پذیرد. بر این مبنای، در دیدگاه‌های توسعه، رهیافت توانمندسازی و مشارکت زنان روستایی مورد توجه ویژه قرار گرفته است (آیت و اعظمیان، ۱۳۹۰). ظرفیت‌مندی و توانمندسازی زنان روستایی به مثابه یکی از مهم‌ترین مؤلفه توسعه پایدار روستایی (کلدی و سلحشوری، ۱۳۹۱)، زمینه لازم برای توانمندسازی افراد کم درآمد و فقیر برای رسیدن به حقوق خود از طریق دستیابی و کنترل بر منابع طبیعی سازمان‌های موجود و تغییر یافته است. همچنین توانمندسازی فرآیندی است که در آن افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها بر مسائل و مشکلاتی که با آن مواجه هستند، کنترل و اختیار پیدا کنند. بنابراین، هدف توانمندسازی کمک به افراد ضعیف است که تلاش نمایند مهارت‌ها و توانایی‌هایشان را برای کنترل عاقلانه بر زندگی افزایش داده و بر ضعف‌هایشان غلبه

نمایند و جنبه‌های مثبت زندگی‌شان را بهبود بخشند (کیمیایی، ۱۳۹۰). در کشورهای در حال توسعه، زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت کشور به‌رغم برخورداری از ظرفیت‌ها و توانمندی فراوان در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی، به دلیل بی‌توجهی به ظرفیت‌مندی آن‌ها، از آموزش مهارت‌های نوین و ارتباط مستقیم با بازار کار محروم هستند. همچنین، آنان در فعالیت‌های اجتماعی، حضور موثر در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه اجتماعی - اقتصادی و کالبدی ندارند و همواره به عنوان اقشاری آسیب‌پذیر، با چالش‌های متعددی نظیر بی‌قدرتی، ضعف جسمانی و فقر روبه‌رو هستند. محرومیتی که اساساً جایگاه اجتماعی و اقتصادی آن‌ها را در فرآیند توسعه پایدار به شدت کاهش می‌دهد (چمبرز، ۱۳۷۶). بدین ترتیب، بی‌توجهی به نقش زنان در برنامه‌ریزی‌ها و تخصیص منابع در روند سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات، موجب کند شدن و حتی عدم توفیق در برخی از برنامه‌های توسعه می‌گردد. بنابراین، افزایش توانایی‌ها و مهارت‌های زنان روستایی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوارهای روستایی و در نتیجه زندگی روستایی داشته باشد (خانی و همکاران، ۱۳۹۱). این مقوله به ویژه در ناحیه مورد مطالعه، به‌رغم بالا بودن ظرفیت‌مندی زنان برای مشارکت گسترده در فعالیت‌های متنوع تولیدی و غیر تولیدی، به دلیل بی‌توجهی به توانایی‌های فردی و اجتماعی زنان باعث نادیده انگاشتن توانمندی زنان در برنامه‌ریزی‌های توسعه شده است. علاوه بر این، بی‌توجهی به توانمندی آنان باعث می‌شود؛ میزان مشارکت آنان در فراگرد توسعه اجتماعی - اقتصادی سکونتگاه‌ها کم‌رنگ گردد. به‌گونه‌ای که زنان در ناحیه مورد مطالعه به‌رغم حضور موثر در فعالیت‌های تولیدی و غیر تولیدی، در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های سکونتگاه‌های روستایی مشارکت محدودی داشته باشند. از این رو،

شکوری و همکاران (۱۳۸۶). مالها ترا توانمندسازی زنان را فرآیندی تعریف می‌کند که به وسیله آن زنان برای سازمان‌دهی خودشان توانمند می‌شوند و اعتماد به نفس خود را افزایش می‌دهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابع، که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی ایشان می‌گردد؛ دفاع می‌کنند (مالها ترا و همکاران، ۲۰۰۲) به نقل از شکوری و همکاران، (۱۳۸۶) توانمندسازی به معنای برتری فردی بر فرد دیگر یا جنسیتی بر جنسیت دیگر نیست، بلکه در این مسیر، ارتقای خودباوری و خوداتکایی گروهی و فردی مدنظر است. تعریف سازمان ملل متحد از مقوله توانمندسازی، پنج محور عمده را شامل می‌شود که عبارت است از: احساس ارزش داشتن، حق مالکیت و تصمیم‌گیری، حق دسترسی به فرصت‌ها و منابع حق کنترل زندگی خود در محیط اجتماعی و قدرت تاثیرگذاری بر تغییرات اجتماعی به منظور فراهم کردن نظام عادلانه اقتصادی در محدوده ملی و جهانی (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۵ به نقل از خانی ۱۳۹۱). رویکردهای تاریخی در ارتباط با توانمندسازی زنان به طور عمومی به رویکردهای جنسیت‌گرا برمی‌گردد. این دیدگاه‌ها بر سه دسته‌اند. گروه اول که خود را گروه توسعه برای زنان در عصر جدید نام نهاده‌اند، برای ایجاد تغییرات دو دسته سیاست کوتاه مدت و بلند مدت را در نظر می‌گیرند. سیاست‌های دراز مدت برای شکستن ساختارهای نابرابری بین جنسیت، طبقه اجتماعی و ملت‌ها لازم است. سیاست‌های کوتاه مدت روش‌هایی هستند که جوابگوی بحران‌های جاری باشند و در جهت کمک به زنان در تولید مواد غذایی از طریق تنوع پایه‌های کشاورزی و ایجاد کار در بخش رسمی و غیررسمی موثرند. به نظر این گروه قوانین مدنی، سیستم‌های حقوقی، قوانین کار و نهادهای اجتماعی و حقوقی که تقویت‌کننده کنترل و امتیازات مردان می‌باشند، لازم است تغییر یابند تا زنان به عدالت اجتماعی برسند (خانی، ۱۳۹۱). دیدگاه دیگر را طرفداران لیبرال

توجه به توانمندسازی زنان روستایی در ناحیه مورد مطالعه به مثابه عامل کلیدی توسعه پایدار، امری ضروری است. به این معنی که زنان روستایی باید دسترسی لازم به اطلاعات، آموزش، منابع و فرصت‌ها، قدرت تصمیم‌گیری، استقلال و خودمختاری و تسلط بر زندگی خود و توانایی تاثیرگذاری بر تغییرات اجتماعی و اقتصادی و غیره را داشته باشند. بر مبنای مسائل مذکور، این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به سؤال‌های زیر است:

۱. تا چه میزان زنان روستایی در ناحیه گیلوان و آب‌بر در فعالیتهای مربوط به کشاورزی و غیرکشاورزی نقش داشته‌اند؟

۲. میزان سهم و نقش زنان در درآمد خانوار و در نتیجه در توسعه اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه گیلوان و آب‌بر چگونه است؟

۳. میزان دسترسی و کنترل زنان بر منابع تولید در سکونتگاه‌های روستایی ناحیه گیلوان و آب‌بر چگونه است؟

در خصوص مفهوم توانمندسازی، تعاریف متعددی از سوی محققان و صاحب‌نظران مختلف ارائه شده است. در ادبیات توسعه، برای تعریف این مفهوم به گستره‌ای وسیع از مفاهیمی نظیر: حق انتخاب، کنترل داشتن و دسترسی به منابع، احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتر و غیره اشاره شده است (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶). دادویک و همکاران (۲۰۰۶) توانمندسازی را حق اساسی انسان و اصل اساسی توسعه می‌دانند. باون و لاولر (۱۹۹۲) توانمندسازی را به صورت راهبرد مدیریتی برای تسهیل قدرت تصمیم‌گیری تعریف می‌کنند. اگبومه (۲۰۰۱) توانمندسازی را به معنای دستیابی بیشتر زنان به منابع و کنترل بر زندگی خود می‌داند که موجب احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتری در آن‌ها می‌شود. این فرآیند موجب افزایش عزت نفس زنان می‌گردد به این معنا که موجب بهبود تصویری می‌شود که زنان از خودشان دارند به نقل از

جنسیتی می‌انجامد. ۲- نظریه حاشیه‌ای شدن، که معتقد است توسعه سرمایه‌داری، زنان را بیش از پیش از نقش‌های کلیدی کنار می‌گذارد و به قلمرو خصوصی خانه محدود می‌کند، و در این روند زنان کنترل خود را بر امکانات مادی از دست می‌دهند و از نظر مالی به مردان وابسته می‌شوند. رالسر بلومبرگ (۱۹۸۱) در مورد این که چرا توسعه اقتصادی به حاشیه‌ای شدن زنان می‌انجامد، سه دلیل زیر را بیان می‌کند:

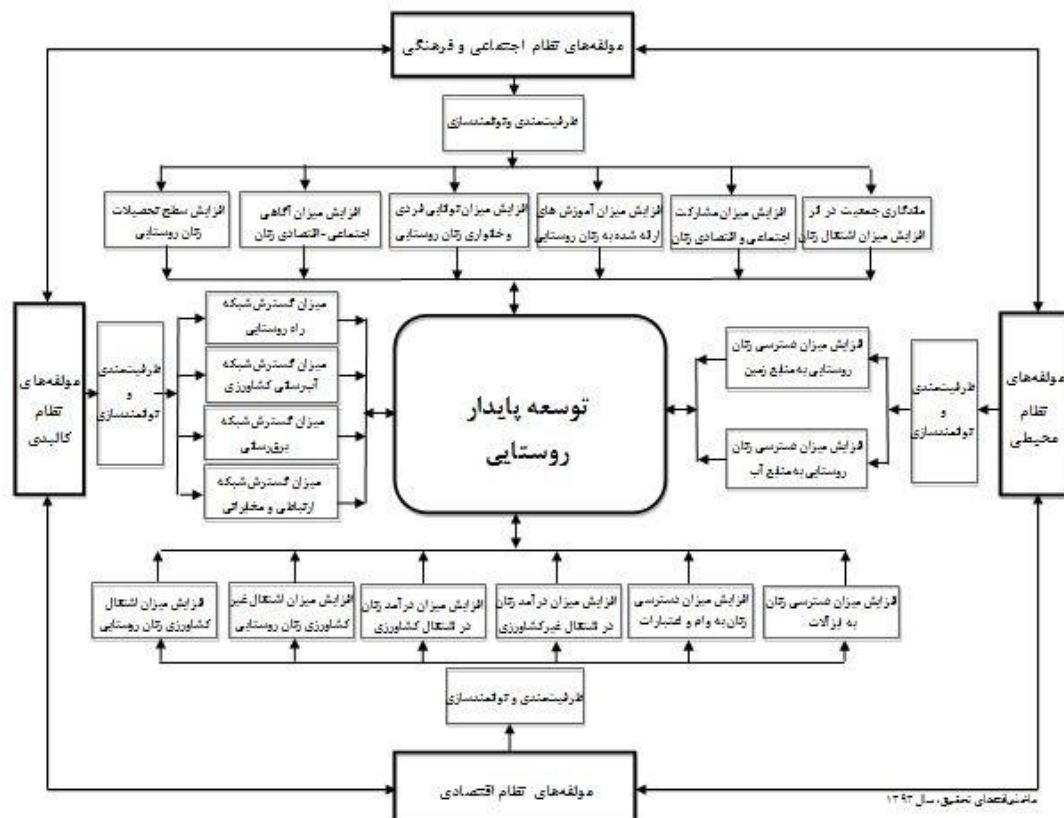
الف- کار زنان در عمل سنگین‌تر می‌شود، ب- منابع درآمدی زنان کاهش می‌یابد، ج- رفاه و فرصت‌های زنان به عنوان انسان کاهش می‌یابد.

۳- نظریه بهره‌کشی، که معتقد است مدرنیزه شدن به پیدایش نوعی نیروی کار زنانه با دستمزد پایین می‌انجامد و زنان برای تولید صنعتی اهمیت بیشتری می‌یابند، اما از آن‌جا که نیروی کار درجه دوم محسوب می‌شوند، در معرض بهره‌کشی قرار می‌گیرند. (آبوت و والاس، ۱۳۸۰). نظریه توانمندسازی بر مبنای تالیفات فمینیست‌ها و با تکیه بر تجارب کشورهای جهان سوم شکل گرفته است. در ادبیات موجود در سیاست توانمندسازی، بر افزایش میزان توانایی زنان در مراحل مختلف توانمندسازی و ابعاد متنوع آن در کشورهای مختلف تاکید شده است. تاکید بر مراحل توانمندسازی در پژوهش‌های زنان، ایده سارالانگه است. بنابر نظر سارالانگه (۱۹۹۱)، توانمندسازی زنان مستلزم روندی از چرخه مرتبط از پنج سطح مختلف، شامل رفاه، دسترسی، آگاهی، کنترل و مشارکت استوار بود که در چارچوبی مرتبط، هر یک زمینه‌ساز دیگری به شمار می‌رفت (خانی و سعیدی، ۱۳۸۸). در مرحله رفاه، مادی زنان (مانند تغذیه، درآمد، بهداشت و غیره) مورد توجه است. در این مرحله از توانمندسازی، رفع تبعیض بین زنان و مردان مدنظر قرار می‌گیرد. در مرحله دسترسی، زنان در مقایسه با مردان دسترسی کمتری به آموزش، عوامل تولید (زمین و سرمایه) حتی نتیجه

اصالت جنسیت ارائه می‌کنند. آن‌ها موقعیت پایین‌تر زنان را ناشی از کمتر بودن فرصت‌ها، فقدان یا اندک بودن میزان تعلیم و تربیت و محدودیت‌های مربوط به محیط خانوادگی می‌دانند. آنان ادعا می‌کنند که حقوق زنان با مردان برابر است و باید از حق تحصیل، استخدام، تملک دارایی و حمایت‌های قانونی برخوردار باشند (والریه، ۱۹۹۹ به نقل از کتابی و همکاران، ۱۳۸۲). فمینیست‌های لیبرال معتقدند که جامعه شایسته باید بیشترین فرصت‌ها را برای توسعه استعداد‌های فردی مهیا کند و این فرصت‌ها باید در دسترس همگان باشد. در نظریه‌های سیاسی لیبرال‌ها، ارزش‌های فردی در تقاضا برای آزادی و برابری متجلی می‌شود (جاگار، ۱۹۸۳ به نقل از کتابی و همکاران، ۱۳۸۲). در ضلع سوم این مثلث، طرفداران اصالت زن اصلاح طلب فرصت رقابت با مردان را طلب می‌کنند. آن‌ها معتقدند که اموری چون مراقبت از کودکان و زندگی خانوادگی باید به گونه‌ای انجام شود که زنان نیز بتوانند همانند مردان کار کنند و به رغم آنان مردان نیز باید طرز تلقی خود را نسبت به پرورش کودکان، کار در خانه و دیگر جنبه‌های سنتی تغییر دهند (تاوور، ۱۹۹۹ به نقل از خانی، ۱۳۹۱). نظریات مربوط به نقش زنان در توسعه متأثر از نظریات فمینیستی و به طور عمده برخاسته از یافته‌های بوزروپ است. بوزروپ نشان داده است که برنامه‌های توسعه به کار گرفته شده در کشورهای در حال توسعه ناموفق بوده یا حتی در جهت عکس توسعه عمل کرده است (لانگه، ۱۳۷۱). یکی از حوزه‌های مورد توجه فمینیست‌ها آثار توسعه اجتماعی و اقتصادی بر زندگی زنان بوده است. به نظر تیانو (۱۹۸۷) سه نگرش متضاد در مورد تاثیر توسعه اقتصادی بر زنان وجود دارد: ۱- نظریه ادغام، که معتقد است توسعه با درگیر کردن هرچه بیشتر زنان در اقتصاد و زندگی عمومی به رهایی زنان و برابری

می‌نماید، به‌طوری‌که این مشارکت برای کسب افزایش کنترل در عوامل تولید و دسترسی برابر به منابع و منافع می‌باشد. به‌عبارت دیگر، برابری کنترل به معنای توازن قدرت بین زنان و مردان است و این به هیچ وجه به معنای برتری یکی بر دیگری نیست. در این مرحله، "فواصل جنسیتی" فرمی از قدرت نابرابر بین زنان و مردان را به خود می‌گیرد. به‌عنوان مثال، کنترل شوهر بر کار و درآمد همسرش به معنای این است که قدرت تولید زن ممکن است افزایش یابد ولی صرف رفاه خود و فرزندانش نشود و در این وضعیت "فواصل جنسیتی" به‌صورت شکاف بین کوشش و پاداش خودنمایی می‌کند (دفتر امور زنان ریاست جمهوری و یونیسف، ۱۳۷۶). دیدگاه حاکم بر پژوهش حاضر، نظریه توسعه پایدار با تاکید بر ظرفیت‌مندی و توانمندسازی زنان است (شکل ۱).

کار خود (درآمد) دارند. معنای تواناسازی در این مرحله این است که زنان حقی برابر، برای دسترسی به منابع در خانواده و جامعه داشته باشند. در مرحله آگاهی، زنان باید درک کنند که مشکلات آن‌ها از بی‌کفایتی‌ها و کمبودهای شخصیتی‌شان نیست بلکه نشات گرفته از نقش‌های جنسیتی مربوط به فرهنگ است و به همین دلیل قابل تغییر می‌باشد. در مرحله مشارکت، مشارکت برابر زنان، در فرآیند تصمیم‌گیری مدنظر است. در یک پروژه توسعه این به معنای حضور فعال زنان در تمام مراحل بررسی نیازها، شناسایی مشکلات، برنامه‌ریزی، مدیریت، اجرا و ارزشیابی می‌باشد. برابری در مشارکت در یک جامعه مردسالار به آسانی به‌دست نخواهد آمد، بنابراین، نیاز به افزایش بسیج زنان برای ازدیاد حضور آنان در جامعه خواهد بود. در مرحله کنترل، افزایش مشارکت زنان در حد تصمیم‌گیری، آنان را به‌سوی توسعه فزاینده سوق داده و آنان را توان‌تر



شکل ۱: الگوی توانمندسازی زنان در ابعاد مختلف محیطی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و کالبدی

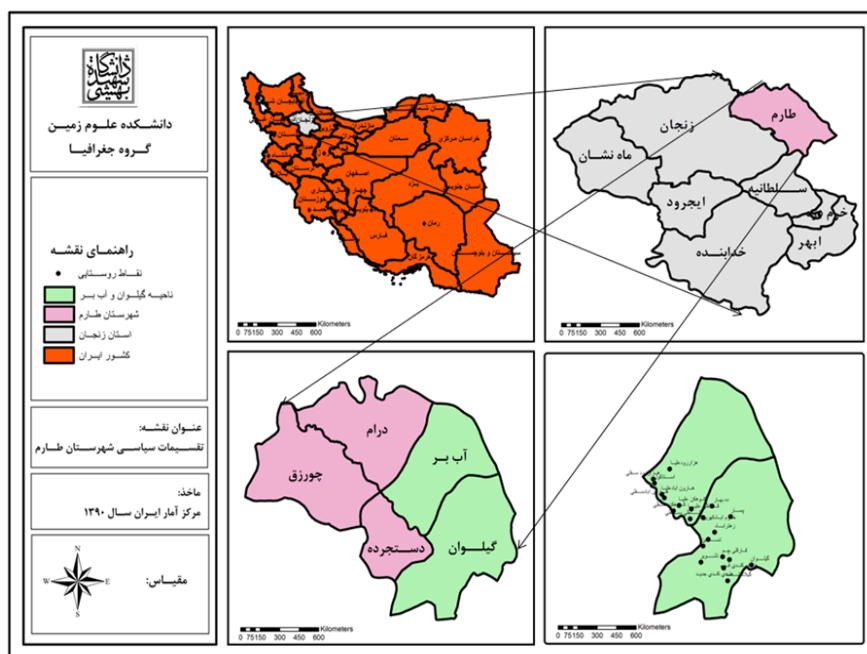
خانوادگی، تصمیم‌گیری در مورد ازدواج و تحصیل خود و فرزندان، معاشرت با دیگران و تصمیم‌گیری در مورد دادوستد مالی و غیره به عنوان متغیرهای مطرح، قابل سنجش هستند (عبدل نصیر و همکاران، ۲۰۰۷). پژوهشی در بنگلادش با عنوان "رابطه بین توسعه کارآفرینی زنان و توانمندسازی" به این نتیجه رسید که بین توسعه کارآفرینی و توانمندسازی زنان رابطه معناداری وجود دارد (نزاز، ۲۰۰۹). در مطالعه‌ای دیگر، رابطه بین جنسیت، سرمایه اجتماعی و توانمندسازی در مناطق روستایی شمال اتیوپی را بررسی شد. نتایج این پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی یک عامل مهم در توانمندسازی به‌شمار می‌رود. همچنین، مشخص شد که بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی در گروه زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد، به نحوی که سرمایه اجتماعی از تاثیر بیشتری در توانمندی مردان سرپرست خانوار در مقایسه با زنان سرپرست خانوار برخوردار بود (نگا و همکاران، ۲۰۰۹). پژوهشی با عنوان نقش فناوری اطلاعات در توانمندسازی زنان روستایی در بنگلادش به این نتیجه رسید که بین میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانمندسازی زنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (سادویکز، ۲۰۱۰). در ایران نیز در تحقیقی با بکارگیری روش پیمایشی - تحلیلی، عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان استان اصفهان را مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که افزایش سطح تحصیلات، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی جامعه در خصوص اشتغال زنان، عوامل مؤثر در تسهیل فرآیند توانمندسازی زنان هستند (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲). در پژوهشی دیگر، ابعاد توانمندی زنان سرپرست خانوار، به عنوان یکی از گروه‌های مهم در معرض خطر فقر، در شهر تهران بررسی شده است. بررسی‌ها نشان داد که ویژگی‌های فردی زنان، نقش بسیاری را در فقر

در زمینه جایگاه توانمندسازی زنان در توسعه سکونتگاه‌های روستایی مطالعات متعددی صورت گرفته است. مهم‌ترین تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده به شرح زیر است: در پژوهشی با عنوان توانمندسازی زنان از راه ترویج کشاورزی؛ یک دیدگاه جهانی، به این نتیجه رسیدند که ترویج نقش مهمی در توانمندسازی زنان و در نتیجه توسعه پایدار روستایی دارد (ریورا و کورنینگ، ۱۹۹۰). یافته‌های پژوهش دیگر نشان داد که زنان رواندا، به‌طور مداوم تحت تاثیر فقر، فقدان دسترسی به منابع و نابرابری‌های جنسیتی قرار دارند که آن‌ها را از فرصت‌هایی به منظور بهبود امرار معاش و حقوقشان محروم کرده است. پروژه رواندا قسمتی از کار ابتکاری سازمان ملل متحد در پرکردن فاصله و شکاف دیجیتالی جنسیتی در آفریقا است که از طریق مشارکت‌کنندگانی انجام شده است که تلاش می‌کنند با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، به‌طور راهبردی از اهرم دانش و آگاهی، تخصص و منابع، برای ریشه‌کنی فقر در بین زنان آفریقایی استفاده کنند (برنامه توسعه ملل متحد، ۲۰۰۵). در مطالعه‌ای دیگر، با عنوان "توانمندسازی زنان از طریق شرکت در پروژه‌های مولد: یک تجربه ناموفق" به این نتیجه رسیدند که دستیابی زنان به توانمندی از طریق انجام کار گروهی، مشارکت در تصمیم‌گیری پروژه، داشتن تفاهم و روابط مناسب در بین اعضاء پروژه و مشارکت در فعالیت‌های پروژه امکان‌پذیر است (مارین و اکالی، ۲۰۰۸). پژوهشی در پاکستان نشان داد که توانمندسازی زنان روستایی می‌بایست از سه بعد اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی مورد بررسی قرار گیرد. در بعد توانمندسازی اجتماعی متغیرهای همچون شرکت در مجالس مذهبی و فرهنگی، آزادی در رفت و آمد، شرکت در فعالیت‌های گروهی و غیره قابل توجه بوده است. در بعد اقتصادی متغیرهایی نظیر درآمد، بازپرداخت وام، پس‌انداز و غیره مدنظر پژوهشگر بوده است. در بعد توانمندی

در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل موثر بر توانمندسازی کشاورزان در استان مازندران نشان داد که ۲۲ درصد واریانس توانمندسازی کشاورزان استان مازندران به وسیله چهار عامل منابع وام‌گیری، راهکارها (عوامل مثبت)، روش‌های آموزشی و موانع تبیین شد. بیشترین وام توسط کشاورزان استان مازندران از بانک گرفته شد. دادن وام و اعتبارات به کشاورزان در رتبه اول راهکارها (عوامل مثبت) برای توانمندسازی کشاورزان استان مازندران بود. پایین بودن سطح تحصیلات مهم‌ترین مانع در توانمندسازی کشاورزان استان مازندران است (چرمچیان، ۱۳۹۱).

را در بر می‌گیرد (فرمانداری شهرستان طارم، ۱۳۹۲). این شهرستان، جزئی از رشته کوه‌های البرزغربی است که در حوضه آبخیز رودخانه قزل‌اوزن به طول ۷۰ کیلومتر قرارداد. جلگه‌های رسوبی ایجاد شده توسط رودخانه قزل‌اوزن زمینه را برای استقرار جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه کشاورزی فراهم آورده است. از آنجایی که شکل غالب فعالیت‌ها در نواحی روستایی مورد مطالعه (گیلوان و آبر) به‌صورت بهره‌برداری خانوادگی است؛ از این‌رو، زنان و دختران روستایی سهم به‌سزایی در اقتصاد خانوار روستایی دارند. به‌طوری‌که در ناحیه مورد مطالعه زنان دوشادوش مردان در فعالیت‌های کشاورزی (زراعت، باغداری و دامداری) و غیرکشاورزی (صنایع تبدیلی و خدمات عمومی) حضور فعال و کارآمد دارند (شکل ۲).

آنان دارد و فقر زنان از ابعاد چندگانه اقتصادی، اجتماعی و روانی برخوردار است. مطابق یافته‌های این پژوهش، با وجود برخی تلاش‌ها که در قالب طرح‌های حمایتی انجام شده است، توانمندی آنان همچنان در سطح پایینی قرار دارد. دلایل این مسئله را در ماهیت و رویکرد حاکم بر این تلاش‌ها، کمیت پایین آن‌ها و همچنین فقر قابلیت‌های زنان ذکر می‌کنند. با توجه به یافته‌های پژوهش، نتیجه گرفته شده است که برای از بین بردن فقر زنان و نابرابری جنسیتی و تحول در پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان، تحولات ساختاری با حمایت‌های دولتی است (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶). قلمرو جغرافیایی پژوهش: شهرستان طارم به مرکزیت شهر آبر، یکی از شهرستان‌های هفتگانه استان زنجان است که در شمال این استان واقع شده است. از لحاظ موقعیت ریاضی این شهرستان بین ۴۸ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۱۵ دقیقه طول شرقی، و ۳۶ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۱۰ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. این شهرستان از سمت شمال با استان اردبیل، از سمت شمال و شمال شرقی با استان گیلان، از سمت شرق با استان قزوین، از سمت جنوب با شهرستان خرم‌دره و از سمت غرب با شهرستان زنجان همجوار است. مساحت این شهرستان با طول و عرض فوق‌برابر به ۲۲۳۵ کیلومتر مربع بوده (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان، ۱۳۸۱). که حدود ۱۰ درصد از مساحت استان



شکل ۲: موقعیت جغرافیایی ناحیه مورد مطالعه

انتخاب شده‌اند. پاسخ‌گویان در سطح ۲۴ سکونتگاه، شامل: مسئولان شوراهای اسلامی و گروه معتمدین سکونتگاه‌ها بودند. برای تعمیم اطلاعات به دست آمده به کل جامعه آماری، از طریق روش نمونه‌گیری کوکران از کل ۳۶۳۹ خانوار بهره‌بردار ناحیه مورد بررسی، تعداد ۳۹۱ خانوار بهره‌بردار به صورت تصادفی انتخاب شدند (سرایبی، ۱۳۷۵). علاوه بر این، براساس روش «P.P.S»^۱ به نسبت خانوار بهره‌بردار ۲۴ سکونتگاه، نمونه‌های تصادفی نسبت به حجم بهره‌برداران هر سکونتگاه انتخاب شدند و در آن‌ها پرسشگری به عمل آمد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها برای پاسخ‌گویی به سؤال‌ها و تبیین فرضیه‌های پژوهش از روش‌های آمار توصیفی، و برای سنجش رابطه معناداری متغیرها از آزمون‌های کندال تائوبی، اسپیرمن، کای-اسکوئیر استفاده شد.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و به صورت بررسی کمی و میدانی به مطالعه جایگاه توانمندسازی زنان در توسعه سکونتگاه‌ها در ناحیه گیلوان و آب بر شهرستان طارم استان زنجان پرداخته است. در تبیین متغیرهای تحقیق از پیشینه موضوع و مشاهدات میدانی بهره‌گیری شده است. سنجش و اندازه‌گیری مؤلفه‌ها، متغیرها و شاخص‌های مورد بررسی تحقیق از طریق مؤلفه‌های نظام محیطی، نظام اجتماعی و فرهنگی، نظام اقتصادی، نظام کالبدی و سیاست‌های نظام سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است (جدول ۱). جامعه آماری در این تحقیق تعداد ۳۰ سکونتگاه و تعداد ۳۶۳۹ خانوار بهره‌بردار کشاورز در ناحیه گیلوان و آب بر شهرستان طارم است. از کل جامعه آماری ۲۴ سکونتگاه نمونه به صورت تصادفی

1: Probability of proportional to Size

جدول ۱: مؤلفه‌ها و شاخص‌های توانمندی زنان در توسعه سکونتگاه‌های روستایی ناحیه گیلوان و آب‌بر

مؤلفه‌ها و شاخص‌ها	مؤلفه‌ها و شاخص‌ها
میزان سهم زنان روستایی در فرآوری محصولات دامی و طیور و...	توانمندی و دسترسی به منابع
میزان مشارکت زنان روستایی در تولید صنایع دستی	میزان دسترسی زنان به منابع زمین (زراعی و باغی)
میزان درآمد زنان روستایی در اشتغال کشاورزی	میزان دسترسی زنان به منابع آب
میزان درآمد زنان روستایی در اشتغال غیرکشاورزی	توانمندی آموزشی و اطلاع رسانی
میزان سرمایه و پس‌انداز زنان روستایی در ارتباط با فعالیت‌های تولیدی	سطح تحصیلات زنان روستایی
میزان دسترسی زنان روستایی به وام بانکی	میزان آگاهی اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی
توانمندی زیربنایی و کالبدی	میزان توانایی فردی و خانواری زنان روستایی
میزان دسترسی زنان روستایی به فن‌آوری ابزاری کشاورزی و غیرکشاورزی	میزان آموزش زنان روستایی در ارتباط با شغل و حرفه مربوطه
میزان گسترش شبکه راه روستایی و افزایش توانمندی زنان روستایی	میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی
میزان گسترش شبکه آبرسانی کشاورزی و افزایش توانمندی زنان روستایی	سهم زنان در تصمیم‌گیری‌های امور خانواده
میزان گسترش شبکه برق‌رسانی و افزایش توانمندی زنان روستایی	میزان رضایت مردان از مشارکت زنان روستایی
میزان گسترش شبکه ارتباطی و مخابراتی و افزایش توانمندی زنان روستایی	توانمندی نظام اقتصادی
سیاست‌ها	میزان سهم زنان روستایی در تولید محصولات زراعی
میزان وام اعطاء شده به زنان روستایی	میزان سهم زنان روستایی در تولید محصولات باغی
جهت‌گیری تسهیلات اعتباری اعطاء شده به زنان روستایی	میزان سهم زنان روستایی در تولید محصولات دامی و طیور
کمیت و کیفیت آموزش فنی و حرفه‌ای زنان روستایی	میزان سهم زنان روستایی در فرآوری محصولات زراعی
	میزان سهم زنان روستایی در فرآوری محصولات باغی

اقتصادی و میزان ۱۷ شاخص نظام کالبدی مورد سنجش قرار می‌گیرد (جدول ۲).

همچنین، مؤلفه اثرپذیر توسعه سکونتگاه‌ها از طریق تعداد ۵ شاخص نظام محیطی، میزان ۱۶ شاخص نظام اجتماعی- فرهنگی، حدود ۲۶ شاخص نظام

جدول ۲: شاخص‌های سنجش سطح توسعه یافتگی سکونتگاه‌های روستایی متأثر از توانمندسازی و مشارکت زنان

مؤلفه‌ها و شاخص‌ها	مؤلفه‌ها و شاخص‌ها
افزایش سهم زنان در تولید محصولات زراعی و باغی	مؤلفه نظام محیطی
افزایش سهم زنان در تولید محصولات دامی	گسترش سطح زیرکشت اراضی کشاورزی
افزایش سهم زنان در تولید محصولات طیور	گسترش سطح زیرکشت اراضی زراعی
افزایش سهم زنان در اشتغال کشاورزی	گسترش سطح زیرکشت اراضی باغی
افزایش سهم زنان در فرآوری محصولات زراعی	افزایش میزان آب کشاورزی
افزایش سهم زنان در فرآوری محصولات باغی	افزایش تعداد و تنوع آب کشاورزی
افزایش سهم زنان در فرآوری محصولات دامی	مؤلفه نظام اجتماعی - فرهنگی
افزایش سهم زنان در فرآوری محصولات طیور	افزایش درصد باسوادی زنان سکونتگاه‌ها
افزایش سهم زنان در تولید صنایع دستی	افزایش درصد باسوادی مردان سکونتگاه‌ها
افزایش سهم زنان در اشتغال غیرکشاورزی	افزایش درصد باسوادی کل سکونتگاه‌ها
افزایش میزان دسترسی زنان به وام و اعتبار	افزایش سطح تحصیلات زنان سکونتگاه‌ها
افزایش دسترسی زنان به ابزار آلات کشاورزی و غیر کشاورزی	افزایش سطح تحصیلات مردان سکونتگاه‌ها
افزایش سهم زنان در درآمد فعالیت کشاورزی	افزایش میزان آگاهی زنان روستایی در زمینه مسائل اجتماعی
افزایش سهم زنان در درآمد فعالیت غیرکشاورزی	افزایش میزان آگاهی زنان روستایی در زمینه مسائل اقتصادی
افزایش سهم زنان در درآمد خانوار	افزایش میزان مهارت زنان سکونتگاه‌ها
مؤلفه نظام زیرساختی و کالبدی	افزایش تنوع مهارت زنان سکونتگاه‌ها
بهبود شبکه راه سکونتگاه‌ها	افزایش آگاهی زنان در ارتباط با مهارت‌های اقتصادی سکونتگاه‌ها
برخورداری خانوارهای روستایی از راه آسفالت مناسب	افزایش تواناسازی زنان در ارتباط با مشارکت در مسائل اجتماعی
بهبود شبکه آبرسانی سکونتگاه‌ها	افزایش میزان تواناسازی زنان در ارتباط با مشارکت در مسائل اقتصادی
بهبود شبکه برق‌رسانی سکونتگاه‌ها	افزایش رضایت آنان در مشارکت زنان در فعالیتهای اجتماعی
بهبود شبکه ارتباطی تلفن ثابت	افزایش سهم زنان خانوار در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانوار
بهبود شبکه ارتباطی تلفن همراه	افزایش سهم زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به فعالیتهای اجتماعی
برخورداری خانوارهای روستایی از آب آشامیدنی تصفیه شده	افزایش سهم زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به فعالیتهای اقتصادی
برخورداری خانوارها از نهاده‌های کشاورزی شرکت‌های تعاونی	مؤلفه نظام اقتصادی
برخورداری خانوارها از نهاده‌های کشاورزی مرکز خدمات کشاورزی	افزایش تعداد کارگران زن در فعالیتهای کشاورزی و غیرکشاورزی
برخورداری خانوارهای روستایی از خدمات خانه بهداشت	گسترش تنوع فعالیتهای کشاورزی
برخورداری خانوارهای روستایی از بهیار و ماما	افزایش عملکرد در هکتار زیتون
برخورداری خانوارهای روستایی از بهورز	افزایش عملکرد در هکتار گوجه‌فرنگی
برخورداری خانوارهای روستایی از پاسگاه نیروی انتظامی	افزایش عملکرد در هکتار سیر
برخورداری خانوارهای روستایی از پایگاه بسیج	افزایش عملکرد در هکتار طالبی
برخورداری خانوارهای روستایی از اورژانس	افزایش عملکرد در هکتار سیب‌زمینی
برخورداری خانوارهای روستایی از وسیله نقلیه	افزایش عملکرد در هکتار پیاز
برخورداری خانوارهای روستایی از پمپ بنزین	افزایش عملکرد در هکتار برنج

نتایج

یافته‌های پژوهش نشان داد، میانگین سنی سرپرست خانوار روستایی برابر ۵۱ سال می‌باشد. حدود ۸۰/۶ درصد از سرپرست خانوار روستایی را مردان و میزان ۱۹/۴ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. از نقطه نظر وضعیت تاهل نیز حدود ۰/۳ درصد مجرد، میزان ۸۰/۳ درصد متاهل و معادل ۱۹/۴ درصد بیوه تشکیل می‌دهند. همچنین، یافته‌های تحقیق نشان داد، حدود ۴۰/۴ درصد از سرپرست خانوار روستایی بی‌سواد، حدود ۱۴/۸ درصد میزان سواد آن‌ها در حد خواندن و نوشتن، معادل ۲۳ درصد در سطح دوره ابتدائی بوده‌است. به این ترتیب، مجموعاً ۷۸/۳ درصد پایین‌تر از پنجم ابتدائی سواد داشته‌اند. در این میان از نظر

توانمندی‌های اقتصادی، یافته‌های تحقیق نشان داد، از مجموع ۵۴/۲ درصد خانوارهای فعال در تولید محصولات زراعی، حدود ۷/۷ درصد خانوارها، سهم زنان خانوارشان در تولید محصولات زراعی نسبتاً پایین بوده، میزان ۱۴/۸ درصد در حد متوسط و بالاخره ۳۱/۷ درصد خانوارها، سهم زنان خانوارشان در تولید محصولات زراعی زیاد و خیلی زیاد بوده است (جدول ۳). همچنین، از کل خانوارهای فعال در تولید محصولات باغی، حدود ۲۷/۳ درصد خانوارها، سهم زنان آن‌ها در تولید محصولات باغی نسبتاً پایین بوده، میزان ۲۷/۶ درصد در حد متوسط و بالاخره، ۲۳/۸ درصد خانوارها، سهم زنان‌شان در تولید محصولات باغی نسبتاً بالا بوده است (جدول ۳).

جدول ۳: سهم مشارکت زنان در تولیدات زراعی و باغی در سکونتگاه‌های ناحیه مورد مطالعه

ردیف	سهم زنان خانوار در تولیدات زراعی	تعداد خانوار	درصد	سهم زنان خانوار در تولیدات باغی	تعداد خانوار	درصد
۱	خیلی کم	۰	۰	خیلی کم	۱۵	۳/۸
۲	کم	۳۰	۷/۷	کم	۹۲	۲۳/۵
۳	متوسط	۵۸	۱۴/۸	متوسط	۱۰۸	۲۷/۶
۴	زیاد	۷۹	۲۰/۲	زیاد	۷۷	۱۹/۷
۵	خیلی زیاد	۴۵	۱۱/۵۵	خیلی زیاد	۱۶	۴/۱
	جمع	۲۱۲	۵۴/۲	جمع	۳۰۸	۷۸/۸
	مشارکت ندارند	۱۷۹	۴۵/۸	مشارکت ندارند	۸۳	۲۱/۲

درصد زنان خانوارها سهم‌شان در تولید محصولات دامی در حد متوسط، میزان ۲۲/۲ درصد زنان خانوارها، سهم‌شان در تولید محصولات دامی زیاد و خیلی زیاد بوده است.

درصد رابطه معنی‌داری وجود دارد. به طوریکه سطح معنی‌داری ضریب محاسبه شده براساس آزمون کای دو برابر (p=0/000) است. چون سطح معنی‌داری

علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد، حدود ۷۲/۹ درصد زنان خانوارها، در تولید محصولات دامی مشارکتی نداشته و تنها میزان ۲۷/۱ درصد زنان خانوارها به فعالیت دامی می‌پردازند. در این میان، حدود ۴/۹ - ارتباط بین دوره‌های آموزشی طی شده توسط زنان خانوار و میزان توانایی فردی و خانواری آن‌ها: نتیجه آزمون کای دو (Chi-square) نشان داد، بین دو متغیر دوره‌های آموزشی طی شده توسط زنان خانوار و میزان توانایی فردی و خانواری آن‌ها در سطح ۱

کمتر از ۰/۰۵ درصد می‌باشد، بنابراین رابطه معنی‌دار است (جدول ۴).

جدول ۴: ارتباط بین دوره‌های آموزشی طی شده توسط زنان خانوار و میزان توانایی فردی و خانواری آن‌ها، ۱۳۹۳

شرح	گروه بندی	میزان توانایی فردی و خانواری زنان				
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
دوره‌های آموزشی طی شده توسط زنان خانوار	خیلی کم	۰	۴۳	۱۷۸	۸۵	۱۲
	کم	۰	۰	۴	۵	۵
	متوسط	۰	۲	۴	۸	۱۸
	زیاد	۰	۳	۸	۵	۱۱
	خیلی زیاد	۰	۰	۰	۰	۰
	جمع کل	۰	۴۸	۱۹۴	۱۰۳	۴۶

Pearson chi-square= 116/314 df=9

monte carlo.sig.(2 -sided)=0/000

معنی‌داری ضریب محاسبه شده براساس آزمون کای دو برابر (p=0/000) است. به عبارت دیگر هرچه میزان آگاهی زنان خانوار افزایش یافته، میزان توانایی فردی و خانواری آن‌ها نیز افزایش پیدا کرده است (جدول ۵).

-ارتباط بین میزان آگاهی و توانایی فردی و خانواری زنان: نتیجه آزمون کای دو (Chi-square) نشان داد بین دو متغیر دوره‌های آموزشی طی شده توسط زنان خانوار و میزان توانایی فردی و خانواری آن‌ها در سطح ۱ درصد رابطه معنی‌داری وجود دارد. به‌طوریکه سطح

جدول ۵: ارتباط میزان آگاهی زنان و میزان توانایی فردی و خانواری آن‌ها، ۱۳۹۳

شرح	گروه بندی	میزان توانایی فردی و خانواری زنان				
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
میزان آگاهی زنان	خیلی کم	۰	۲	۶	۴	۰
	کم	۰	۲۳	۹۳	۵۴	۶
	متوسط	۰	۱۸	۷۴	۲۴	۲۷
	زیاد	۰	۴	۲۰	۲۰	۱۳
	خیلی زیاد	۰	۱	۱	۱	۰
	جمع کل	۰	۴۸	۱۹۴	۱۰۳	۴۶

Pearson chi-square=38/167 df=12

monte carlo.sig.(2 -sided)=0/000

اقتصادی آن‌ها در سطح ۱ درصد رابطه معنی‌داری وجود دارد به‌طوریکه سطح معنی‌داری محاسبه شده براساس آزمون کای دو برابر (p=0/000) است. به عبارت دیگر هرچه میزان توانایی فردی و خانواری

-ارتباط بین میزان توانایی فردی و خانواری زنان و میزان مشارکت اجتماعی و اقتصادی آن‌ها: نتیجه آزمون کای دو (Chi-square) نشان داد، بین میزان توانایی فردی و خانواری زنان و میزان مشارکت

زنان افزایش یافته، میزان مشارکت اجتماعی و اقتصادی آنها نیز افزایش پیدا کرده است (جدول ۶).

جدول ۶: ارتباط بین میزان توانایی فردی و خانواری زنان و میزان مشارکت اجتماعی و اقتصادی آنها، ۱۳۹۳

شرح	گروه بندی	میزان مشارکت اجتماعی و اقتصادی				جمع کل
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	
میزان توانایی فردی و خانواری زنان	خیلی کم	۰	۰	۰	۰	۰
	کم	۱۰	۲۱	۱۳	۴	۴۸
	متوسط	۳	۸۳	۷۱	۳۴	۱۹۴
	زیاد	۳	۱۷	۵۹	۲۰	۱۰۲
	خیلی زیاد	۱	۱۷	۲۲	۵	۴۶
	جمع کل	۱۷	۱۳۸	۱۶۵	۶۳	۳۹۰

Pearson chi-square=64/042 df=12 monte carlo.sig.(۲-sided)=0/000

سطح معنی داری محاسبه شده براساس آزمون کای دو برابر (p=0/000) است. به عبارت دیگر هرچه میزان توانایی فردی و خانواری زنان افزایش یافته، سهم آنها در درآمد خانوار افزایش پیدا کرده است (جدول ۷).

- ارتباط بین میزان توانایی فردی و خانواری زنان و سهم آنها در افزایش درآمد خانوار: نتیجه آزمون کای دو (Chi-square) نشان داد، بین میزان توانایی فردی و خانواری زنان و سهم آنها در افزایش درآمد خانوار در سطح ۱ درصد رابطه معنی داری وجود دارد به طوریکه

جدول ۷: ارتباط بین میزان توانایی فردی و خانواری زنان و سهم آنها در افزایش درآمد خانوار، ۱۳۹۳

شرح	گروه بندی	سهم زنان در افزایش درآمد خانوار				جمع کل
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	
توانایی فردی و خانواری زنان	خیلی کم	۰	۰	۰	۰	۰
	کم	۱۰	۱۲	۱۰	۱۴	۴۸
	متوسط	۷	۳۹	۶۱	۷۴	۱۹۴
	زیاد	۲	۸	۳۵	۴۹	۱۰۳
	خیلی زیاد	۲	۷	۱۹	۱۵	۴۶
	جمع کل	۲۱	۶۶	۱۲۵	۱۵۲	۳۹۱

Pearson chi-square=41/012 df=12 monte carlo.sig.(۲-sided)=0/000

رابطه معنی داری وجود دارد (p=0/000). به عبارت دیگر هرچه میزان دسترسی زنان به وام و اعتبارات بانکی بیشتر شده، میزان توانایی فردی و خانواری آنها نیز افزایش یافته است (جدول ۸).

- ارتباط بین میزان دسترسی به وام و اعتبارات بانکی و میزان توانایی فردی و خانواری آنها: نتیجه آزمون اسپرمن نشان داد بین میزان دسترسی زنان به وام و اعتبارات بانکی و میزان توانایی فردی و خانواری آنها

جدول ۸: ارتباط بین میزان دسترسی زنان خانوار به وام و اعتبارات بانکی و میزان توانایی فردی و خانواری آن‌ها، ۱۳۹۳

میزان دسترسی زنان خانوار به وام و اعتبارات بانکی		
میزان توانایی فردی و خانواری زنان	Spearman's rho	۰/۱۷۰
	sig	۰/۰۰۰
	N	۳۹۱

رابطه معنی‌داری وجود دارد ($p=0/000$). به عبارت دیگر هرچه میزان دسترسی زنان به فناوری ابزاری کشاورزی و غیرکشاورزی بیشتر شده، میزان توانایی فردی و خانواری آن‌ها نیز افزایش یافته است (جدول ۹).

- ارتباط بین میزان دسترسی زنان به فناوری ابزاری کشاورزی و غیرکشاورزی و میزان توانایی فردی و خانواری آن‌ها: نتیجه آزمون اسپرمن نشان داد، بین میزان دسترسی زنان به فناوری ابزاری کشاورزی و غیرکشاورزی و میزان توانایی فردی و خانواری آن‌ها

جدول ۹: ارتباط بین میزان دسترسی زنان خانوار به فناوری کشاورزی و غیرکشاورزی و میزان توانایی فردی و خانواری آن‌ها، ۱۳۹۳

میزان دسترسی زنان خانوار به فناوری کشاورزی و غیرکشاورزی		
میزان توانایی فردی و خانواری زنان	Spearman's rho	۰/۱۳۲
	sig	۰/۰۰۰
	N	۳۹۱

شاخص‌های نظام محیطی، نظام اجتماعی- فرهنگی، نظام اقتصادی و نظام زیربنایی و کالبدی توسعه سکونتگاه‌های روستایی و افزایش میزان توانمندی زنان روستایی رابطه معنی‌داری در سطح ۱ درصد وجود دارد ($p=0/000$) (جدول ۱۰). به عبارت دیگر، توانمندسازی و مشارکت زنان روستایی در ناحیه مورد مطالعه در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی موجب ارتقای نقش آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی سکونتگاه‌ها و در نتیجه ارتقای شاخص توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌های روستایی در ناحیه مورد مطالعه شده‌است.

- ارتباط بین شاخص‌های نظام محیطی، نظام اجتماعی- فرهنگی، نظام اقتصادی و نظام کالبدی توسعه و توانمندی زنان روستایی: برای سنجش اثرات مؤلفه اثرگذار توانمندی زنان روستایی ناحیه مورد مطالعه، تعداد ۲۸ شاخص مؤلفه توانمندی زنان روستایی ترکیب شد. مؤلفه اثرپذیر توسعه سکونتگاه‌ها نیز از طریق ترکیب تعداد ۵ شاخص نظام محیطی، میزان ۱۶ شاخص نظام اجتماعی- فرهنگی، حدود ۲۶ شاخص نظام اقتصادی و میزان ۱۷ شاخص نظام زیربنایی و کالبدی توسعه مورد ارزیابی قرار گرفت. براساس نتایج آزمون‌های کندال تائوبی و اسپرمن بین

جدول ۱۰: تحلیل روابط معناداری بین مؤلفه ترکیبی توانمندی زنان با مؤلفه‌های ترکیبی توسعه سکونتگاه‌های روستایی

وجود رابطه	نوع آزمون				مؤلفه اثرگذار	مؤلفه‌های توسعه سکونتگاه‌های روستایی	ردیف
	Spearman's rho		Kendall's tau-b				
	r	Sig.	r	Sig.			
دارد	۰/۶۵۶	۰/۰۰۰	۰/۶۰۹	۰/۰۰۰	توانمندی زنان روستایی	نظام محیطی و اکولوژیکی توسعه	۱
دارد	۰/۲۳۵	۰/۰۰۰	۰/۲۳۰	۰/۰۰۰		نظام اجتماعی - فرهنگی توسعه	۲
دارد	۰/۴۹۰	۰/۰۰۰	۰/۴۶۸	۰/۰۰۰		نظام اقتصادی توسعه	۳
دارد	۰/۲۳۴	۰/۰۰۰	۰/۲۲۴	۰/۰۰۰		نظام کالبدی و زیرساختاری توسعه	۴

نتیجه‌گیری

زنان به وام بانکی و فن‌آوری ابزاری کشاورزی و غیرکشاورزی، میزان توانایی فردی و خانواری آن‌ها افزایش یافته؛ که این مقوله در ارتقای شاخص‌های سطح توسعه یافتگی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه مورد مطالعه اثرگذار بوده است. این مقوله با یافته‌های کتابی و همکاران (۱۳۸۲)، شکوری و همکاران (۱۳۸۶) و چرمچیان (۱۳۹۱) مطابقت دارد. توسعه ظرفیتی و توانمند شدن زنان روستایی و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های متنوع کشاورزی نظیر: تولید محصولات زراعی، باغی، دامی و طیور و فعالیت‌های غیرکشاورزی نظیر: فرآوری محصولات زراعی، باغی، دامی و طیور باعث افزایش اشتغال کشاورزی و اشتغال غیرکشاورزی زنان شده است. در این میان، افزایش میزان اشتغال کشاورزی و غیرکشاورزی زنان بر روی توسعه سکونتگاه‌ها در ناحیه مورد مطالعه اثرگذار بوده است. علاوه بر این زنان این ناحیه با انجام فعالیت‌های متنوع کشاورزی و غیرکشاورزی در افزایش درآمد، رفاه و کاهش هزینه‌های مربوط به نیروی کار نقش چشم‌گیری در ناحیه مورد مطالعه داشته‌اند. با این وجود، به‌رغم حضور گسترده زنان در فعالیت‌های متنوع که زمینه‌ساز توسعه سکونتگاه‌های این ناحیه است؛ به دلیل این‌که زنان مهارت‌های لازم را در زمینه فعالیت‌های اقتصادی از منابع رسمی فرانگرفته و گواهی‌نامه مهارتی ندارند، میزان دسترسی آن‌ها به

براساس نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق میدانی، افزایش میزان توانایی‌های فردی و خانواری زنان روستایی در ناحیه مورد مطالعه در ارتقای شاخص‌های سطح توسعه‌یافتگی مؤلفه‌های نظام طبیعی، اجتماعی- فرهنگی، نظام اقتصادی و نظام زیرساختی و کالبدی توسعه سکونتگاه‌های روستایی مؤثر بوده است. بر این مبنایافته‌های این پژوهش با یافته‌های عبدال نصیر و همکاران (۲۰۰۷)، ریانو و اکالی (۲۰۰۸)، نزاز (۲۰۰۹) و سادویکز (۲۰۱۰) تا حدود زیادی مطابقت دارد. همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، دوره‌های آموزش طی شده توسط زنان روستایی در میزان افزایش توانایی فردی و خانواری آنان و در نتیجه میزان ارتقای سطح آگاهی و توانمندی آنان برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی اثرگذار بوده است. به عبارت دیگر فراگیری دوره‌های آموزشی در زمینه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی روستایی باعث ارتقا ظرفیت‌مندی و توانمندی فردی و خانواری زنان روستایی شد؛ که افزایش میزان مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان را در ناحیه مورد مطالعه به همراه داشته است. علاوه بر این میزان دسترسی زنان خانوار به وام بانکی و فن‌آوری ابزاری کشاورزی و غیرکشاورزی در افزایش توانمندی فردی و خانواری آنان مؤثر است. به‌طوری‌که با افزایش میزان دسترسی

وام و اعتبارات بانکی اندک است. همچنین در تحقیق حاضر، رویکردها و سیاست‌گذاری نظام سیاسی در میزان مشارکت زنان روستایی در فرآیند توسعه مؤثر نبوده است. این مقوله متأثر از بی‌توجهی برنامه‌ریزان توسعه به نقش زنان می‌باشد. اما به رغم بی‌توجهی به نقش زنان در امر توسعه، آن‌ها در افزایش اشتغال کشاورزی و اشتغال غیرکشاورزی، افزایش درآمد و رفاه خانوار و در نتیجه توسعه اقتصادی ناحیه مورد مطالعه اثرگذار هستند. شایان ذکر است، در ناحیه مورد مطالعه، سهم عوامل درون‌زاد نظام فضایی سکونتگاه‌های روستایی نظیر: توانایی‌های فردی و خانواری زنان، توانمندی کشاورزی و غیرکشاورزی خانوارها و گسترش نسبتاً زیاد اراضی زراعی و باغی در کنار فعالیت‌های دامی در سکونتگاه‌های ناحیه مورد مطالعه، بیش از عوامل برون‌زاد نظام فضایی (برنامه‌ها و سیاست‌های حمایتی و هدایتی) زمینه حضور مؤثر زنان را در فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی در سکونتگاه‌های مورد مطالعه فراهم کرده است. بنابراین در برنامه‌ریزی توسعه توجه به این مقوله به منظور ارتقای ظرفیت‌مندی، توانمندسازی و مشارکت دادن بیش از پیش زنان در فرآیند توسعه در ناحیه گیلوان و آب‌بر با توجه به موقعیت عملکردی کشاورزی و غیر کشاورزی آن ضروری به نظر می‌رسد.

پیشنهادات و راهکارها

با توجه به نتایج به‌دست آمده از تحقیق حاضر، به منظور بهبود وضعیت زنان در روستاهای ناحیه مورد مطالعه و اثرگذاری بیش از پیش نقش آن‌ها در توسعه اقتصاد خانوار و کل روستا توجه به پیشنهادهای زیر توصیه می‌گردد: ۱- با توجه به نتایج تحقیق حاضر، به منظور توانمندسازی و آگاهی‌بخشی زنان روستایی پیشنهاد می‌گردد آموزش‌های لازم در ارتباط با توسعه مهارتی زنان به منظور افزایش میزان دسترسی آن‌ها به منابع آب و زمین صورت پذیرد. زیرا در ناحیه مورد مطالعه حدود ۲۰۰ نفر سرپرست خانوار زن نسبت به

مردان دسترسی کمتری به منابع آب و زمین دارند. ۲- با توجه به این‌که در ناحیه مورد مطالعه، زنان روستایی تاکنون آموزش رسمی از طریق مراکز فنی و حرفه‌ای در ارتباط با حرفه شغلی خود دریافت نکرده‌اند؛ از این‌رو توجه به آموزش آن‌ها از طریق مراکز فنی و حرفه‌ای به منظور ارتقای ظرفیت‌های مهارتی و توانمندی آنان، همراه با ارائه مدارک معتبر و قانونی به زنان روستایی ضروری به نظر می‌رسد. زیرا این مقوله زمینه را برای دریافت آسان‌تر وام‌های خود اشتغالی برای فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی (کارگاه‌های فرآوری محصول باغی و زراعی)، فراهم کرده و موجب ارتقای میزان مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان می‌گردد. بدین ترتیب، اعمال سیاست‌های حمایتی و هدایتی برای گروه زنان روستایی، ارایه آموزش‌های رسمی برای ظرفیت‌سازی و توانمندی آن‌ها به عنوان نیروی اثرگذار در برنامه‌ریزی‌های توسعه امری ضروری به نظر می‌رسد. ۳- در ناحیه مورد مطالعه زنان روستایی در فرآوری محصولات کشاورزی (زراعی، باغی و دامی) مهارت دارند. در این راستا راه‌اندازی و گسترش کارگاه‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی توسط زنان روستایی، تاثیر به‌سزایی در افزایش درآمد و ارتقای جایگاه و نقش زنان روستایی دارد. در این خصوص لازم است زنان روستایی از خدمات آموزشی - ترویجی و مهارت‌های فنی مناسب در ارتباط با فعالیت خود بهره‌مند شوند؛ تا کارائی آنان ارتقاء یابد. از جمله این اقدامات می‌توان به تشکیل کلاس‌های کوتاه مدت و بلند مدت برای زنان روستایی همراه با نمایش فیلم و اسلاید، آموزش مروجین زن و برگزاری نمایشگاه‌های دوره‌ای برای فروش تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی زنان روستایی که به‌دلیل محدودیت‌های فرهنگی امکان حضور شخصی در بازارها را ندارند، اشاره کرد. ۴- سازماندهی و ساماندهی جایگاه‌های عرضه محصولات تولیدی به‌منظور مشارکت دادن بیشتر زنان روستایی در بازررسانی و عرضه

به‌ویژه زنان روستایی به نهاده‌های کشاورزی و همچنین بازاریابی برای تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی خود.

- دفتر امور زنان ریاست جمهوری و یونسف، ۱۳۷۶. نقش زنان در توسعه، انتشارات روشنگران، ۱۳۹ ص.
- کلانتری، خ.، شعبانعلی فمی، ح. و سروش مهر، ه. ۱۳۸۹. بررسی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مطالعه مورد شهرستان همدان)، مجله توسعه روستایی، دوره اول، شماره ۲، ص ۱۰۷-۱۲۴.
- کدی، ع. ر. و سلحشوری، پ.، ۱۳۹۱. بررسی تاثیر حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان، مجله مطالعات توسعه اجتماعی، سال چهارم، شماره چهارم، ص ۷-۲۲.
- کتابی، م.، یزدخواستی، ب. و فرخی راستایی، ز.، ۱۳۸۲. توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، پژوهش زنان، دوره یک، شماره هفتم، ص ۵-۳۰.
- کمیایی، ع.، ۱۳۹۰. شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره چهل، ص ۶۳-۹۲.
- سرایبی، ح.، ۱۳۷۵. مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق، چاپ دوم، انتشارات سمت، ۲۵۶ ص.
- شکوری، ع.، رفعت‌جاه، م.، جعفری، م.، ۱۳۸۶. مولفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل موثر بر آنها، پژوهش زنان، دوره پنجم، شماره یک، ص ۱-۲۶.
- لانگه، س.، ۱۳۷۲. معیارهایی برای تواناسازی زنان، نقش زنان در توسعه، تهران، روشنگران، ۲۸۴ ص.

محصولات تولیدی کشاورزی و غیرکشاورزی در روستاهای مورد مطالعه، ۵- هوشمندسازی روستاها (ICT روستایی)، به‌منظور افزایش دسترسی روستاییان

منابع

- آبوت، پ. و والاس، ک.، ۱۳۸۰. جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، نشر نی، ۳۷۱ ص.
- آیت، س. و اعظمیان، ا.، ۱۳۹۰. تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توانمندسازی زنان روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۳، ص ۱۵۱-۱۶۴.
- چمبرز، ر.، ۱۳۷۶. توسعه روستایی: الویت بخشی به فقرا، ترجمه مصطفی ازکیا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۴ ص.
- چرمچیان لنگرودی، م.، ۱۳۹۱. مدل‌یابی شاخص‌های توانمندسازی روان‌شناختی کشاورزان استان مازندران ایران، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، جلد ۲۶، شماره چهارم، ص ۳۰۷-۳۱۴.
- خانی، ف.، مطیعی‌لنگرودی، حسن. و صیاد بیدهندی، ل.، ۱۳۹۱. ارائه الگوهای توانمندسازی زنان روستایی استفاده کننده از IST (بررسی مورد: بخش مرکزی شهرستان لاهیجان)، توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره یک، ص ۸۵-۱۰۸.
- خانی، ف. و سعیدی، ع.، ۱۳۸۸. فضای اجتماعی، راهبری عمومی و جنسیت، جغرافیا، فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، شماره ۲۳، ص ۵۹-۷۶.

-AbdulNasir, J., Akhtar, M. and Salim, R., 2007. Measuring and modeling the domestic empowerment of rural women in Pakistan, Journal of Statistics, v. 14, p. 20-30.

-Bowen, D.E. and Lawler, E.E., 1992. The Empowerment of Service Workers: What,

Why, How and When? Sloan Management Review, spring, v. 31, p. 9-31.

-Dudwick, N., Kuehnast, K., Jones, V. N. and Woolcock, M., 2006. Analyzing social capital in context, A guide to using qualitative methods and data, p. 1-46.

- Koeing, A. M., Saifuddin, A., Bazle, H. and Mozumder, KH., 2003. Women's Status and Domestic Violence in Rural Bangladesh Individual and Community Level Effects, *Demography*, v. 40(2), p. 117- 125.
- Marín, R. E. R. and Okali, C., 2008. Women's empowerment through their participation in productive projects: unsuccessful experiences, ISSN 1405-1435, *UAEMex*, January - April, , v. 46, p. 100-122.
- Nazaz, F., 2010. Nexus between women entrepreneurship development and empowerment: Bangladesh context, *Nepalese journal of public policy and governance*, v. 12(3), p. 62-74.
- Nega, F., Mathijs, E., Deckers, J. and Tollens, E., 2009. Gender, social capital and empowerment in northern Ethiopia, p. 1-31.
- Rivera, W. M. and Coming, S. L., 1990. Empowering women through agricultural extension: A global perspective, *Journal of Extension*, v. 28 (4), p. 34-51.
- Sudweeks, F., Hrachovec, H. and Ess (eds), CT., 2010. The role of ICT in women's empowerment in rural Bangladesh, *Proceedings Cultural Attitudes Towards Communication and Technology 2010*, Murdoch University, Australia, p. 217-230.
- UNDP., 2005. *Victorian Women in ICT Network*, Online.